

اگر دو قانون از حیث نوع جرم و درجه کیفر با هم تصادم کنند تکلیف چیست

ماده ۶ قانون کیفر عمومی می گوید « مجازات باید بموجب قانونی باشد که قبل از ارتکاب آن عمل مقرر شده باشد و هیچ عملی را نمی توان بمنوان جرم بموجب قانون متاخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از ارتکاب جرم قانونی مقرر شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات باشد نسبت بجرمهای سابق بر وضع آن نیز موثر خواهد بود »

بنابراین برابر قانون عملی جرم بوده و قانون موخری یا آن عمل را اساساً جرم نداند و یا جرم بداند و در کیفر آن تخفیف داده باشد در این موارد باید دید تکلیف از چه قرار است؟ در هنگام دادرسی یا عملی که بعد از قانون اول واقع شده و در زمان قانون دومی باید مراجع بآن حکم کرد بجهت نحوی سزاوار اقدام خواهد بود البته واضح است که قسمت اخیر ماده ۶ قانون کیفر عمومی پاسخ این سؤال را می دهد -

امادر این جا مشکلاتی را که ممکن است در عمل پیش بیاید باید بطور مشروح و مفصل به بحث آن در ذیل اشاره و روشن کنیم -

اول - قانون جدید برای جرم عذری قائل شده که قانون سابق قائل نبوده یا اینکه در قانون جدید کیفر جنائی قانون قبل به مجازات جنحه ای مبدل شده یا اینکه قانون جدید کیفر جنائی قانون پیش را نگاه داشته ولی بکدرجه تخفیف داده مثلاً بجای حبس با اعمال شاقه حبس مجرد مقرر و تمین نموده و یا اینکه بجای حبس تأدیبی جزای نقدی و یا بجای کیفر شلاق حبس که در تبصره ماده ۱۷۳ قانون کیفر عمومی قانون قدیم و در ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق مصوبه

۶ تیر ماه ۴۴ قانون جدید می گوید .

د بندالف- تبصره ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی بشرح زیر اصلاح میشود: در مورد این ماده هر گاه جرح بوسیله چاقو یا هر نوع اسلحه وارد شود اگر عمل مشمول قسمت اول ماده گردد کیفر آن حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و اگر عمل مشمول قسمت اخیر ماده گردد کیفر آن حبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال خواهد بود بعلاوه در هر دو مورد دادگاه مرتکب را باقامت اجباری از شش ماه تا دو سال در یکی از نقاط کشور که از طرف وزارت دادگستری تعیین خواهد شد محکوم می نماید الخ

در تمام این موارد اشکالی متصور نیست و باسانی می توان تشخیص داد که قانون جدید ملایم تر از قانون قدیم است و بر طبق ماده ۶ قانون کیفر عمومی باید قانون جدید را بموقع اجراء و عمل گذارد .

دوم - امکان دارد طبقه مجازات در قانون قدیم و جدید یکی باشد مثلاً در هر دو قانون حبس با اعمال شاقه تعیین شده باشد ولی حداقل و اکثر مجازات آنها با هم متفاوت باشد بالمثل در قانون اول مدت حبس با اعمال شاقه برای جمل فرمان یا دستخط رئیس کشور یا احکام رئیس دولت یا اوامر رئیس مجلس شورای ملی یا رئیس مجلس سنا یا مهر دولت یا مهر رئیس کشور یا مهر مجلس مقننه یا مهر یا امضاء یا اعلامت یکی از روساء یا مستخدمین دولتی یا کارمندان مجالس مقننه از حیث مقام رسمی آنها یا بلیط یا اسکناس بانک که مطابق قانون رایج است و یا امثال آنها که در ماده ۹۸ قانون کیفر عمومی مذکور است فرضاً مجازات از چهار سال تا پانزده سال بوده باشد و در قانون دوم و قانون جدید از سه سال الی بیست سال حبس با اعمال شاقه باشد در این دو مورد اشکالی که پیش می آید باید بدانیم کدام يك از دو قانون ملایمتر است در یکی سه سال ولی در مقابل حداکثر ۲۰ سال است در قانون دیگر حداقل بالاتر چهار سال و در مقابل حد اکثر پانزده سال است که بعقیده علماء و دانشمندان قانون اول ملایمتر است .

زیرا گرچه حداقل آن چهار سال و پیش از حد اقل قانون دوم نیست ولی اگر قانون دومی بقاضی اجازه پائین آوردن سه سال مجازات را داده آنرا ملزم نکرده است که حداقل را تعیین نماید پس با این قانون دومی با سه سال پائین آمدن مسلم نیست ولی در عوض قاضی مجاز است تا بیست سال حبس با اعمال شاقه حکم قضیه را معین کند در صورتی که برابر قانون اول غایت مدت حبس پانزده سال با اعمال شاقه را که قاضی ممکن است حکم بدهد محدود می نماید .

سوم - هر يك از دو قانون از حیثی ملایمتر و از حیثی سخت تر است مانند قانون اول فقط کیفر غرامت نقدی تعیین کرده است ولی ضمناً اجازه جمع بین چند مجازات را نداده

و قاضی را هم نمی گذارد قرائن مخففه برای مجرم قائل شود قانون دوم مجازات حبس را معین می کند ولی هم اجازه جمع بین چند مجازات داده و هم قاضی را در قبول قرائن مخففه آزاد می گذارد :

در اینجا اختلاف نظر اینست که بعضی عقیده دارند قاضی کیفر قانون اول یعنی جزای نقدی را از برای گناهکار که ملایم تر است تعیین نماید ولی در قبول قرائن مخففه هم باید قاضی را مطابق قانون دومی مجاز دانست که به عقیده عده ای این راه حل صحیح و عاقلانه نخواهد بود زیرا ترکیب نمودن دو قانون در واقع و نفس الامر خود یک نوع قانون گذاری محسوب می شود که مقنن این حق را بقاضی نداده است .

بنا به مطالبی که در بالا مورد بحث قرار گرفت کاملاً مدرك و استنباط مشکلاتی که غالباً پیش از صدور حکم قطعی از حیث بزه و درجه کیفر باهم در تضاد بین قانون قدیم و جدید پیش می آید واقف می گردیم و به حل مشکل و راه حل آن بخوبی پی خواهیم برد .

فلسفه و حقوق :

فلسفه به سوال حق چیست پاسخ میدهد و حقوق به سوال حق کدام است جواب میگوید .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی